

ویژگی های زبانی در شعر شعرای انقلاب

استادیار ایمان مطشر عاجل

دانشگاه بغداد دانشکده زبان گروه زبان فارسی

الخصائص اللغوية في شعر شعراء الثورة

ایمان مطشر عاجل / جامعة بغداد / كلية اللغات / قسم اللغة الفارسية

Linguistic characteristics in the poetry of revolutionary poets

Name of the researcher: teacher Eman Matasher Ajel

University of Baghdad . College of Language. Department of Persian Language

emanmtasher@colang.uobaghdad.edu.iq

ملخص البحث :

لا شك ان شعر الثورة كان ثمرة جهود مجموعة كبيرة من شعراء الوطن . و استعراض ذكريات تلك السنوات يعيد الى الازهان العديد من الشخصيات التي كانت تعمل بشكل مستمر و نشط في المجال الحاضر . هناك دائما علاقة ذات اتجاهين بين التطورات الاجتماعية والادب ، تتاثر النصوص الادبية بسياق عصرها وتؤثر بشكل متبادل على احداث ذلك العصر و بناء على ذلك يمكن القول انه كما ان الحركات و التطورات الاجتماعية تتشكل دائما على اساس التطورات الادبية فانها تؤثر على ثقافة و ادب عصرها . و نظرا لضرورة دراسة و تقييم الخصائص اللغوية لشعر شعراء الثورة ، فقد تمت في هذا البحث بعد التعريف و التعرف على شعر الثورة الاسلامية دراسة الخصائص اللغوية لشعر هذه الفترة . الكلمات المفتاحية: الخصائص اللغوية ، شعر الثورة ، ادب الثورة ، الفاظ اجنبية ، التجديد في الشعر ، المفردات العامية .

A summary

There is no doubt that the poetry of the revolution was the result of the efforts of a large group of the nation's poets. Reviewing memories of those years brings to mind many personalities who were working continuously and actively in the present field. There is always a two-way relationship between social developments and literature. Literary texts are affected by the context of their era and mutually influence the events of that era. Accordingly, it can be said that just as social movements and developments are always formed on the basis of literary developments, they influence the culture and literature of their era. Given the necessity of studying and evaluating the linguistic characteristics of the poetry of revolutionary poets, in this research, after defining and learning about the poetry of the Islamic Revolution, we studied the linguistic characteristics of the poetry of this period. Keywords : Linguistic characteristics . Revolution poetry . Literature of revolution . Foreign words . Renewal in poetry. Slang vocabulary

چکیده

شکی نیست که شعر انقلاب حاصل تلاش گروه وسیعی از شاعران سراسر کشور بود . مرور خاطرات آن سالها ، شخصیت‌های زیادی را به یاد می آورد که به طور مستمر و فعال در عرصه حاضر بوده اند . همواره رابطه ای دو سویه میان تحولات اجتماعی و ادبیات وجود دارد . متون ادبی همانگونه که در بستر زمانه خود تاثیر می پذیرند و متقابلا بر حوادث زمانه تاثیر می گذارند . بر این اساس ، می توان گفت ، همان گونه که نهضت ها و تحولات اجتماعی همواره بر بستری از تحولات ادبی شکل می گیرند ، برفرهنگ و ادبیات روزگار خود تاثیر می

گذارند . با توجه به ضرورت بررسی و سنجش ویژگی های زبانی شعر شعراى انقلاب بررسی قرار گرفته است , در این مقاله تلاش شده است پس از تعریف و شناسایی شعر انقلاب اسلامی ویژگی های زبانی شعر این دوره .
واژگان کلیدی : ویژگی های زبانی , شعر انقلاب , ادبیات انقلاب , واژه های پیگانه , نو آوری در شعر , واژگان محلی .
پیشگفتار

به واقع آن را شعر انقلاب اسلامی می نامیم از حوالی دهه چهل قرن حاضر هجری خورشیدی قابل مشاهده است . گرایشهای انقلابی با هویت اسلامی را می توان در آثار شاعرانی همچون حمید سبزواری , مهرداد اوستا , طاهره صفارزاده , علی موسوی گرماوردی , نعمت میرزاده و بعضی دیگران بیگری کرد . البته بررنگی انقلاب بودن یا اسلامی بودن یا تداوم این دو صفت در شعر همه این شاعران یکسان نیست .

این انقلاب هم میراث گرانقدر شعر اصیل و متعهد فارسی را زنده کرد و هم دغدغه ی افق نگاه شاعران ایرانی را در مضامین دینی و اجتماعی و سیاسی , تعمیق نمود . خصوصا که از ویژگی های انقلاب اسلامی , شناخت دقیق حاجات و آلام و آسیب های فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی بود . گرایش دو سویه ی شعر متعهد و انقلاب اسلامی به یکدیگر , باعث شد تجلیات و نقاط عطف مهمی در تاریخ و سیر شعر بس از انقلاب ظاهر شود که بررسی جریان شناسانه ی آن با نگاهی به تاثیرات متنوع جریانات بر شعر و شاعری در ایران .

ریشه های ادبی انقلاب اسلامی

ریشه های ادبی انقلاب اسلامی را نیز همچون نهضت مشروطه , باید در سالها پیش تر از وقوع بیرونی این انقلاب و دست کم اوایل دهه چهل شمسی جست و جو کرد . از پس این سالها بود که رفته رفته نقد مدرنیته و ارزش های زندگی غربی - که می توانست به رنگ باختن ارزش های ایرانی و اسلامی بینجامد و ضرورت حفظ فرهنگ ایرانی و اسلامی و اصالت های آن در برابر فرهنگ جدید در نوشته های مصلحان ایرانی خسته از تفکرات شرقی و غربی به یک گفتمان مبدل شد و همراه با نوعی بومی گرایی در ادبیات رونق گرفت . (دکتر محمد رضا ترکی : ١٣٩٥ , ١٣٣)

مفهوم عام و خاص ادبیات انقلاب

البته آنچه گذشت ادبیات انقلاب در مفهوم عام آن بود اما , این اصطلاح اغلب در مفهوم خاص , به معنی آثاری به کار می رود که در سال های نخستین انقلاب و نزدیک بدان با التزام به واقعیت ها و آرمان های انقلاب اسلامی آفریده شده است . بسیاری از صاحب نظران , مفهوم ادبیات انقلاب را بر ادبیات سال های جنگ نوشته شده , نیز گسترش می دهند و حق نیز همین است زیرا ادبیات دفاع مقدس چیزی جز تداوم ادبیات انقلاب اسلامی , منتها در بستر مضامین مرتبط با دفاع هشت ساله ملت ایران نیست .

ادبیات انقلاب اسلامی نیز همچون ادبیات مشروطه , در شکل گیری این نهضت و تداوم آن مؤثر افتاده است . نوشته های رهبران و پیشگامان انقلاب که در قالب اعلامیه و بیانیه منتشر می شد و اشعاری که به صورت شب نامه به دست مردم می رسید و ترانه ها و سرودهایی که مبارزان زمزمه می کردند یا در راهپیمایی ها بر زبان مردم جاری می شد و متن های نمایشی انقلابی که در مراکز مذهبی به روی صحنه می رفت بخش جالب توجهی بود و از آثاری که به شور و شعور انقلابی مردم در سال های اوج نهضت و انقلاب دامن می زد ادبیات انقلاب , چنان که گذشت , گسترده ای وسیع دارد . به یک اعتبار همه آثار پدید آمده در چند دهه اخیر در ایران را می توان ادبیات انقلاب یا به تعبیر دقیق تر , ادبیات دوران انقلاب دانست و همه جریان ها و طیف های مختلف ادبی را در زیر چتر آن قرار داد , چرا که کمتر اثر ادبی را طی این چند دهه می توان یافت که به نوعی از حادثه انقلاب اسلامی تاثیر نبذیرفته باشد . بر این اساس , همه آثار پدید آمده در این دوران و حتی کارهایی را که علیه آن یا از موضع بی طرفی به مواضع انقلاب نوشته شده اند نیز می توان مرتبط با ادبیات دوران انقلاب به شمار آورد

متأسفانه تا کنون تعریف دقیقی از مقوله ادبیات انقلاب صورت نگرفته و هر کسی به گونه ای به تعریف و تحدید مرزهای آن پرداخته است . گاه نیز نا مشخص بودن تعریف این پدیده موجب سوء تفاهم هایی شده و کسانی , بی آنکه مشخص کنند دقیقا از چه مقوله ای سخن می گویند , بر اساس سلیقه و عمدتا نگاه های ایدئولوژیک , به رد و قبول آن پرداخته اند . بدیهی است تا زمانی که مقصود ما از ادبیات انقلاب اسلامی به دقت مشخص نشود هر گونه داوری درباره آن راه به جایی نخواهد برد و به پیش داوری های سلیقه ای و بی معیار نزدیک تر خواهد بود . بر مبنای آنچه گفته شد , برای تعریف و تحدید هر مکتب و سبک و شیوه و گرایش ادبی نیز باید نخست مؤلفه های شکل

دهنده آن را شناسایی کرد. این مؤلفه ها، بیش از هر چیز، در آثار شاخص و جدی نویسندگان و شاعران هر شیوه ای جلوه یافته است. بنا بر این، می یابد، می یابد آثار شاخص شاعران و نویسندگان شناخته شده آن مکتب یا سبک یا شیوه و گرایش ادبی را پیش رو قرار داد. بی شک، در این مسیر تکیه بر آثار ناقص و پراکنده ای که احیاناً به نام آثار آن مکتب و سبک و شیوه از آنها یاد شده سخت گمراه کننده است، مثلاً برای تشخیص مؤلفه های واقعی و اصلی سبک هندی، باید بر آثار بزرگان این شیوه، یعنی کسانی چون صائب و بیدل و کلیم، تکیه کرد و در ارزیابی ویژگی های اساسی ادبیات مشروطه، باید آثار بزرگانی چون دهخدا و ملک الشعرا بهار را بررسی کرد و آثار سست برخی مبتدیان و متذوقان آن دوران را نمی توان ملاک قرار داد هر چند ممکن است همان آثار نیز در بررسی های تاریخی و اجتماعی و حتی لغوی و زبانی به کار بیایند. (قدس رضوی: ۱۳۶۵: ۹۸)

تعریف شعر انقلاب

شعر انقلاب اسلامی شعر مردمی به معنای واقعی آن است شاعر این دوره همدوش، همسنگر، همدل و همزبان مردم است. با درد مردم رنج می برد و با شادی آنان شاد می شود.

ریشه های ادبی انقلاب اسلامی را نیز، همچون نهضت مشروطه، باید در سال ها پیش تر از وقوع بیرونی این انقلاب و دست کم، اوایل دهه چهل شمسی جست و جو کرد. از پس این سال ها بود که رفته رفته نقد مدرنیته و ارزش های زندگی غربی - که می توانست به رنگ باختن ارزش های ایرانی و اسلامی بینجامد - و ضرورت حفظ فرهنگ ایرانی و اسلامی و اصالت های آن در برابر فرهنگ جدید در نوشته های مصلحان ایرانی خسته از تفکرات شرقی و غربی به یک گفتمان مبدل شد و همراه با نوعی بومی گرایی در ادبیات رونق گرفت. (علی پور مصطفی: ۱۳۹۰: ۱۹۶)

ویژگیهای شعر انقلاب

۱ - تغییردستگاه واژگانی با ورود عناصر واژگانی جدید به اشعار شاعران این نوع با تغییر در نوع نگرش شاعران این دوران، در نوع گزینش آنها از واژه ها و اصطلاحات زبان نیز تغییر ایجاد شد. بی شک شاعری که شعرا را سلاهی می انگارد برای مبارزه و معارضة با دشمن و انقلاب و جنبش مسلحانه رایگانه راه نجات می داند، به واژه هایی ویژه ای نیز برای سخن گفتن از عواطف و عقاید خود نیازمند است. واژه هایی که باید نشان دهنده خشم، خروش، عصیان و عصبانیت او باشند، واژه هایی خشن و حماسی که مظلومیت او را فریاد زنند. به همین دلیل در شعر این شاعران، به گستردگی، به واژه هایی چون جنگ و جهاد و جنگل، شهید و شقایق، خون و خنجر، تیر و تفنگ، گل و گلوله، فجر و انفجار و مانند اینها بر می خوریم. (علی حسین پور: ۱۳۵۶، ۳۴۷)

جنگل

ای اشتیاق سبز!

ای اشتیاق سبز شکفتن

آیا برادران مرا دیدی؟

آیا برادران مرا

در جوخه های سرخ سحرگاهان دیدی؟

وقتی که آفتاب مبارک را

فریاد می زند

آیا برادران مرا دیدی

در هر می از گلوله و بارت

در استوای خون؟.....

باید رسالت خونینم را

در ذهن کشتزار بخوانم

و با برادران دیگر خود

در خون و انقلاب برانم ... (علی میرفرطوس، سرود آنکه گفت نه، با آن سوار گلگون)

٢ - استفاده از قالب شعری نیمایی و شعر منثور

مفاهیم و مضامینی که شاعران این دوره در صدد بیان آنها بوده اند در قالب شکسته نیمایی و شعر منثور (سبید) بهتر و آسانتر قابل عرضه بوده است. اشعار انقلابی، عصیانی و سرکشانه این شاعران برای ظهور و بروز، مجال و میدانی فراخ تر از دایره تعریف شده و نظام مند قالب شعر کلاسیک می طلبیده است. نکته این است که این شاعران در آن شرایط خاص تاریخی که خود را همواره در سنگر احساس می کرده اند، فرصت و فراغت آن را نداشته اند تا به تساوی طولی مصراعها و نظم مبتنی بر نوع خاص قافیه بندی شعر کلاسیک بیندیشند. بسیاری از این شاعران حتی به حفظ و رعایت اوزان شکسته و کوتاه و بلند نیمایی نیز تن در نمی داده اند، و تنها به بی وزن و منثور توجه داشته اند. حالت این شاعران در سرودن این گونه اشعار حالت رزمده ای است که تنها برای لحظه کوتاهی سر از سنگر به در می آورد و تیرهایی را به سمت دشمن شلیک می کند و سپس بسرعت به سرعت سر جای خویش بر می گردد، یا چون جنگنده ای که می خواهد در زیر آتشباری مداوم دشمن برای خویش سنگری تهیه کند تا برای لحظه ای هم که شده در آن پناه گیرد، سنگری که می داند هر آن ممکن است آن را ترک گوید و در جای دیگر سنگری دیگری بسازد. طبیعی است که او چندان به شکل و شمایل و نوع مهندسی و معماری سنگر خویش نیندیشد. (مومن، زین العابدین: ۱۳۳۹، ۳۴۸)

غروب

گاه جدایی است

باید به لانه برگردند

سنگنوشان

نغمه های

نو آوری در شعر انقلاب

استخدام واژگان خاص و کاربرد طبیعی آنها و گاه شکستن قراردادهای دستوری از عوامل مهم در گسترش زبان و تکامل زبانها است. و این نو آوری ها فقط به طرح اندیشه و کاوش های تصویر گرایانه منتهی نمی شود بلکه می تواند حوزه های مختلفی را شامل شود. ضرورت تبیین این نو آوری که نهایتاً منجر به تشخیص اصالتهای شعری هر شاعر می شود در تحقیقات ادبی کاملاً احساس می شود.

شاعران معاصر نیز بنابر گرایش های فکری، باورهای خصوصی و ویژگی های روانی خود، گونه ای از زبان معاصر را به کار می گیرند از همین رو زبان شاعران انقلابی، اجتماعی و حماسی باز بان شاعران رمانتیک و احساسی متفاوت است. (قنبری ۱۳۶۵: ۵۹)

ترکیبها و گروههای واژگانی

واژگان ترکیبی

شعرا این دوره در ساخت واژگان ترکیبی تازه ی توانمند دارند و تعداد این واژه قابل توجه است و البته به خوبی می تواند حس شاعر را منتقل کند برای مثال:

ای خوابنده های تو گهواره دلم (صفار زاده، طاهره، مجموعه اشعار، حرکت و دیروز، ص ۱۷۳):

شهر شب با داغیاد تو چراغان شد

یا:

بفرمایید تا این بی چراتر کام (صفار زاده، طاهره، مجموعه اشعار، سفر پنجم، ص ۲۲۹).

ترکیبهای محاوره ای

در قسمت واژگان محاوره ای توضیح داده شد که شعر طاهره صفار زاده دارای ساختی محاوره ای است و این ساخت در ترکیبها نیز دیده می شود. ترکیبهای از قبیل:

باید دم تمامی درها

را ید

باید

هوای پنجره ها را داشت
کاسه های داغتر از آشها
واژه های محاوره ای دیگر نظیر :
زنگ

رهايم تا ز بند کام
و از زنجيره های زنگ دار نام
نیازم پیش تن هاست
استکان ، قندان ، سینی
قندان و استکان ها را

در سینی

می چينم

چاله

کوتاه کنم قصه که این راه در از
از چاه به چاله بود و از چاله به چاه
استفاده از واژگان و اصطلاحات عامیانه
در روزهای ریخت و پاش لبخنده
به هفت آسمان تو

یک ذره بر می خورد

چرا تا تو را

داغ بودم

نگفتم

چرا از دهن

حرف های من افتاد

گر سیاه است شب و روز دلم

باید از چشم ت واز چشم تو دید

من سرم نمی شود

ولی

راستی

که می شود

به هر کس که

گل گفتم و گل شنیدم

از رفتنت دهان همه باز (صفار زاده ، طاهره ، مجموعه اشعار ، سفر پنجم ، ص ۱۹۸

آوردن باورها و اعتقادات عامیانه

۱. این باورها و اعتقادات نکته ی جدیدی نیست . در شعر شاعران گذشته نیز این ویژگی دیده می شود . زیرا شعر انقلاب اسلامی از دربار
فاصله می گیرد و به میان توده ی مردم می رود . در نتیجه ، زبان روز بر آن تأثیر می گذارد . این ویژگی را می توان یکی از رموز صمیمیت
و آینه وار بودن شعر طاهره صفار زاده است . (شمسی لنگرودی : ۱۳۹۰ : ۳۱۱).

فال کولی

به کفم

خطا خطا

دید چرا ؟

یا :

کو خانه ای

برای رسیدن

کلاغ کو ؟

گاهی چند باور و اعتقاد مردمی و عامیانه را در شعری به شکلی فلسفه بیان می کند ، فلسفه ای که ادله ی آن را همین باورها شکل می دهد .

اگر خاک

کافر نبود

روی حقیقت

نمی ریخت

اگر ساعت آسمان

نمی زد (صفار زاده ،طاهره ،مجموعه اشعار ، حرکت و دیروز ، ص ۷۰

عینی و ذهنی واژگان

طاهره صفار زاده برای بیان مفاهیم انتزاعی اکثر از واژگان عینی استفاده می کنند . در شعر زیر برای نشان دادن افسردگی از مفاهیم کاملاً عینی سود می جوید :

آفتابی بود ابری شد

سیاه و سرد

آفتابی بود ابری شد

ولی باران نداشت

رعد

و برق

ولی گبار برگ زرد شد

اصطلاحات و کنایه های زبان گفتار

طاهره صفار زاده برای نزدیک شدن به زبان گفتار مثل اغلب شاعران امروز ، به جزء واژه های محاوره ای ، و از اصطلاحات و کنایه های زبان گفتار و زبان محاوره ای نیز بهره جسته شده است :

پسند دل منی

از هر نظر تو عین پسند دل منی

هم دیده

هم ندیده

پسندیده ام تو را

دست و پا

سر به زیر و ساکت

و بی دست و پا می رفت دل

حواسش پرت شد

یک نظر

اروی تو را دید

و حواسش پرت شد (صفار زاده طاهره ، مجموعه اشعار ، سفر بنجم ، ص ٥٥ .

واژه های پیگانه

در شعر شعرا ی انقلاب واژه های گوناگون جواز حضور یافته اند از جمله واژگانی که از زبان کشورهای دیگر به قلمرو شعر ایشان راه یافته است . به عبارت دیگر اگر در دوره مشروطه ، بیشتر اصطلاحات سیاسی از زبان اروپایی وارد شعر فارسی شد در شعر معاصر واژه های گوناگون از حوزه های مختلف اجازه ورود یافتند . این امر در شعر طاهره صفارزاده نیز نمود یافته است . (علی پور مصطفی : ١٣٧٨ ،

٢٥٤)

آزیر

این جا وضعیت خطر

گذرا نیست

آزیر قرمز است

که می نالد

موشک

دیدم که لفظ

ناخوش موشک را

باید به کار برد (صفارزاده ، طاهره ، مجموعه اشعار ، حرکت و دیروز ، ص ٦١٢

صندوق پست

و مثل نامه ای بفرستیم

صندوق های بُستی

پارک

عصر جدول های خالی

پارک های این حوالی

کارت

پوشه مدارک اداری

و گزارش اضافه کار و کسر کار

کارت های اعتبار

زنگ

در گوش من

دیگر صدای زنگ نمی آید؟ (صفار زاده ، طاهره ، مجموعه اشعار ، حرکت و دیروز ، ص ٤٠٧

پاکت ، پُست

نامه ای با پاکت آبی

پاکت پُست هوایی

آسانسور

بالا

پایین

نو آوری در معنا و محتوا

پرداختن به دردهای اجتماعی

درد

مردم زمانه است

که چین پوستینشان

کاربرد ادات و سازه های کهن زبان

آنت

این خزان ایستاده را

اینت : دستاویز دورم

آنت: دستاویز دیرم

اینک

در اینجا نشان

اینک دلم

اینک سرم

تکرار

تکرار طبق نظر علمای فصاحت و بلاغت قدمایی یکی از عیوب شش گانه ی سخن است که پرهیز از آن را واجب دانسته اند . اما برخلاف نظر آنان این عنصر نیز ، به یکی از مهم ترین عناصر زیبایی آفرینی در شعر شعرا این دوره تأثیر گذارترین عناصر به شمار می آید به این صورت که با عناصر حماسی و عاطفی و تخیل از تکرار استفاده نموده است . و در شعر آنان از تکرار هدف خاصی داشته و آن القای مناسب و به جای مفاهیم مد نظرش بوده است تکرار گذشته از زیبایی موسیقایی که به شعر میبخشد ، بعضی نیز معتقدند تکرار مهمترین عنصر موسیقی ساز شعر معاصر است . قویترین عوامل تأثیر است و بهترین وسیله ای است که عقیده یا فکری را به کسی القا میکند . تکرار را می توان در سطوح زیر بررسی کرد : (صفوی ، کورش ، ۱۳۷۸ ، ۱۰۶)

شهر در خواب است

در شهر خواب است

در شهر

در شهر

در شهر خواب است

شهر در خواب است

خواب است

خواب است

کاربرد شکل قدیم واژگان

بسیاری از واژه ها ، در طی تاریخ رو به سادگی نهاده و شکل عوض کرده اند . این امر دلایل بسیاری دارد که در کتاب های زبان شناسی بدان پرداخته شده اما امروز بنا به دلایلی میل در کارگیری شکل قدیم واژگان را پنهان نمی کنند . یکی از دلایل احضار شکل قدیم واژگان ، توجه به بعد موسیقایی شعر است و نیز واژه هایی امروزه کاربرد دارند که معنای مصطلح قدیم شان کمتر استفاده می شود و در حقیقت معنای معروف امروز شان ، معنای دیروزی را پس می زند .

پروانه وار بال و پر گرفته ام

پروانه ی عبور من از مرز بودن است

واژه ی (پروانه ی) در مصرع دوم به معنی جواز یا اجازه به کار رفته که امروزه چنین کاربردی در زبان روزمره ندارد .

تا روی می گردانم

عقابى شده اى

و از بلندترین صخره

تیز و تند فرا مى جهى

افزودن پیشوند (فرا) به فعل (مى جهى) در زبان امروز چندان مصطلح نیست .

طواف گلویت را

از اقصی نقاط تازیانه و زنجیر

حلقوم های خسته

قصد زمزمه دارند

(را) در سطر اول به معنای برای به کار رفته و به قول دستور نویسان ، فک اضافه محسوب مى شود که امروزه چندان مصطلح نیست .

حتى شاعری چون سلمان هراتی که در به کارگیری زبان امروزی و لطیف با بعد عاطفی گوی سبقت را از دیگران ربوده از این نوع باستان گرایى ها بر حذر نمى ماند :

آه ! بالا بلند

اقیانوس روشنائی

فردا کسى راست

که تو او راى (سلمان هراتی ،دری به خانه ی خورشید ص ٢٩)

کاربرد (را) در دو سطر پایانی ، کاربردى امروزی نیست (فردا از آن کسى است که تو را داشته باشد) به نظر مى رسد که شاعر برای بهره گیری از موسیقى درونى شعر ، از این نوع بیان بهره مى گیرد . (شمسى لنگرودى : ١٣٧٧ ، ١٥٢)

و نخل های سبز

دسته دسته فرو افتاد

اما جهان حماقت خود را

ستوار ایستاد

کاربرد واژه ی (ستوار) به جای استوار ضمن اینکه به یک دستى و امروزی بدون نثر لطمه مى زند ، دلیل واضحی برای حضور خود ندارد . به کار گیری صفاتى طولانى و پی در پی برای ایجاد نوعی موسیقى از شگردهای شعرى قدیم بوده که شاعرانى چون نیا و اخوان بسیار از آن بهره برده اند . این شگرد از چشم شاعران انقلاب و جنگ دور نمانده است . (ایرج قنبرى ، ١٣٧٥ ، ١٢١)
به کار گیری دو حرف اضافه برای یک متمم از اختصاصات سبک خراسانى است که به خصوص در شعرهای احمد شاملو دیده مى شود . در سطر دوم یاد شده ، سلمان هراتی نیز آن بهره مى جوید .

گفتیم که مجموعه ی (گنجشک و جبریل) سید حسن حسینی در بهره گیری از اختصاصات سبک شعر و نثر قدیم ، به تشخیص سبکی رسیده و انصافاً مجموعه ی موافقى نیز ارائه داده است . این مجموعه و نحوه ی باستان گرایی اش خود مى تواند موضوع تحقیقى جداگانه باشد .

چه برهوتی در کویرشان کولاک مى کرد

هنگام که دلت

آن موزه ی عتیق عطش را

به جرعه و گوارا

تهدید مى کردند

به کار گیری (هنگام که) به جای آن وقت که یا آن زمان که، ابتدا در شعرهای نیا حضور یافت (هنگام که گریه مى دهد ساز) (گنجشک و جبریل) با به کار گیری واژه هایی که تنها در حافظه ی تاریخ زبان مانده اند ، به بیان تازه ای مى رسد - تازه در میان شعر انقلاب - که آن را در میان مجموعه های دیگر متمایز مى کند . کاربرد بجا و البته جا افتاده ی واژگانی چون برگستوان ، آخته ، منخرین

لجه، مخطط نمونه ای از احضار واژگان قدیم فارسی اند که شاعر با به کارگیری آنها، بر غنای واژگان شعرش میفزاید ضمن اینکه ساختار موسیقایی شعر نیز ترفیع می یابد. (همان منبع)

کاربرد حرف (به) به جای (با):

هیچ کس باور نداشت

کرانه ای

به ترانه ای

غرور گرداب را

در خواهد نورید

کاربرد اسم به جای صفت:

این سماجت عجیب

پافشاری شگفت دردهاست

کاربرد صفت به جای اسم و یا اسم به جای صفت، در شعر معاصر نمونه های بسیاری دارد که سرآغاز آن شعرهای نیماست. دو نمونه از شعر انقلاب را مرور می کنیم.

ای کبود شب وادی، یله در خون، بی تو

خفته در آغل گرگان، گله در خون، بی تو

تو از سخاوت سیال باغ می آیی

تو از وسیع گلستان داغ می آیی (سلمان هراتی)

به شعر انقلاب و جنگ را می توان جریان مستقلی دانست که موضوع و محتوایش، رخدادهای روزمره ی تاریخ انقلاب اسلامی است. اما در لایه های عمیق تر شعر انقلاب اسلامی با برخی مشابهت ها با ادبیات قدیم و نیز شعر معاصر رو به رو می شویم که می توان آن را زیر عنوان هم اندیشی قرار داد:

این پلکان را

بالا باید رفت

از اوج آمده یی

به پیشگاه آئینه ی اصلی

که به خوبی این مصرع مشهور را احضار می کند

ما زبالاییم و بالا می رویم

کاربرد واژگان محلی

گفتیم که یکی از آموزه های نیما در نظریه ها و شعرهایش، به کارگیری واژگان امروزی حتی واژه های بومی و محلی بود. پس از نیما شاعران بسیاری در این عرصه همت گماردند که از معروف ترین آنها می توان منوچهر آتشی را نام برد.

شاعران انقلاب نیز پیرو تجربیات نیما و دیگر شاعران نوسرا، به کارگیری واژگان محلی و بومی را به عنوان یکی از دغدغه های شعری شان به کار بستند.

هریک از شاعران، به فراخور شعرشان واژه هایی از محیط زندگی شان را وارد شعر امروز نمودند که به غنای واژگانی شعر امروز افزوده شد.

چنان از برخی از شعرهای این شاعران می توان به زادگاهشان پی برد، سلمان هراتی شاعر شمالی و البته موفق شعر انقلاب و جنگ، در این راه اهتمام ویژه ای ورزید. در این قسمت تکه هایی از شعرهای سلمان هراتی را که از واژگان بومی شمالی بهره برده است، می آوریم. (مومن، زین العابدین: ۱۹۳۳، ۷۶)

فردا

زنان آبادی

با جامه ای سیاه , شما را

در آب خواهند ریخت

و چشم هایی در نهایت اندوه

شما را در تو مجاره می پایند

سلمان در شعری که برای میرزا کوچک خان سروده , با احضار واژگان بومی , به خوبی فضایی شمالی می بخشد :

جنگل از خواب زمستانی برخاسته است

با تاک های بزرگ (کرزل) (نام درخت)

وشاخه های ریشه ای کرچل (نام درخت)

ما را با آسمانی سبز

به دوستی می خواند

مردان مزرعه کار

واژگان

تازه

گفتیم که نیما , به همه واژگان روزمره ی زبان فارسی , اجازه ورود به شعر داده بود . پس از او شاعران معاصر هر یک به نوعی در این مقوله و روند واژه افزایی , سهیم بودند .

نصرت رحمانی در ورود واژه های کوچه بازاری , باباچاهی در ورود واژه های شهری , فروغ فرخزاد در ورود واژه های زنانه و سهم بسزایی در تکامل این روند داشته اند .

شاعران شعر انقلاب و جنگ با توجه به فضای کشور و نیز ضرورت شعر جنگ , انبوهی از واژگان جنگی و نام مناطق عملیاتی و نام سلاح ها و را به شعر امروز افزودند . در این راه حتی واژگان بیگانه ی بسیاری فرصت حضور در شعر امروز را یافتند ؛ واژگانی چون تظاهرات , خمپاره , استعمار , موشک , نارنجک , تانک , ماشه , کلاشینکف , آرپی جی , فانتوم , آمبولانس , رمزهای عملیات , سنگر , خاکریز , خط مقدم , پلاک , کارت شناسایی , مین , مسلسل , بسیجی , پیشانی بند , بمباران , کوکتل مولوتف , بهشت زهرا , آژیر قرمز و نام مناطق عملیاتی , سومار , دشت عباس , هویزه , موسیان , شلمچه , جزیره ی مجنون , ارتفاعات الله اکبر , بهمنشیر , خونین شهر و

همچنین واژگانی عموماً غربی که برای نشان دادن نمادهای تمسخر آمیز فرهنگ غرب به کار گرفته شدند , پاپیون , کراوات , دلار , نوبل , ماری جوانا , دایناسور , والیوم , کاپیتالیسم , ماهواره , آرشتیکت , کلکسیون , کمپانی , رقص باله , اریستو کراسی , فنودال , فراکو علاوه بر این , انبوهی از واژگانی که بار مذهبی ویژه ای دارند در شعر انقلاب و جنگ به کار گرفته شدند که تاثیر آن را بر شعر روشنفکری دهه ی شصت و هفتاد هم می توان دید , واژگانی چون : مهر سجاده , سفره ی ابو الفضل , نذری و ...

فرهنگ عاشورایی با نام های خاص و شهد ای آن واقعه ی بزرگ , بخش دیگری از نو آوری های واژگانی شعر انقلاب و جنگ را تشکیل می دهند . (بروس طاهباز : ۱۳۶۸ : ۱۹۵۶)

استفاده از قالب های متنوع

بر اساس بررسی همه جنبه آثار موجود ادبیات انقلاب قالب ادبی خاصی را بر نمی تابد و خود را در قالب و زبان و شیوه خاص از سنتی و نو و قدیم و جدید , محصور نمی کند و از همه امکانات موجود , به ویژه زبان نو و قالب های مختلف شعر و داستان و .. برای بیان مفاهیم خویش کمک می گیرد . به همین دلیل است که هم قالب های کهن و سنتی در عرصه ادبیات انقلاب حضور دارند و هم قالب های نو و آثار موفقی در هر دو شیوه و در اشکال مختلف آنها به قلم سخن سالاران این ادبیات آفریده شده است . البته برخی از ادیبان این جریان فقط به نوع خاصی از قالب های کهن یا نو دلبستگی نشان می دهند و برخی نیز هستند که در شیوه های متفاوتی طبع خود را آزموده اند . (دکتر محمد رضا ترکی : ۱۳۹۵ , ۲۶۳)

نتیجه گیری

زبان یکی از پنج عنصر شعر است و نقش مهمی در بیان افکار شاعر دارد. ابزار زبان کلمات هستند، انتخاب کلمه و نحوه استفاده از آن در یک جمله ویژگی خاصی به شعر می‌دهد و در نتیجه هویت زبانی شاعر را می‌بخشد. و به این ترتیب هر چه جهان اندیشه‌های او گسترده‌تر باشد زبان او بیشتر می‌شود و واژگان. بنا بر این تحولات اجتماعی و سیاسی بر شاعر تاثیر می‌گذارد و ذهن و زبان او را تغییر می‌دهد.

انقلاب اسلامی رویداد فرهنگی و اجتماعی را در ذهن و روح مردم و به ویژه شاعران تحت تاثیر قرار داد و آنان را به سوی زبان و بیانی جدید سوق داد.

پیروزی انقلاب اسلامی بدون شک پر شورترین واقعه تاریخ معاصر ایران بود و این شور و هیجان به طور طبیعی در آثار شاعران آن سالها انعکاس یافت. شاید در زبان فارسی در این قرن برای کمتر رویدادی آن قدر شعر سروده شده باشد که برای انقلاب سروده شد. ولی باید معترف بود که شعرهایی که برای انقلاب اسلامی سروده شده است، با وجود تعداد بسیار، نه از لحاظ کیفیت با شعرهای سالهای بعد برابری می‌کند و نه می‌تواند برای تصویر و ترسیم ابعاد و جوانب وسیع انقلاب بسنده باشد. بسیاری از این شعرهای بیانی دارد صریح و شعاری و طرحهایی نسبتاً ساده و تغییردستگاه واژگانی با ورود عناصر واژگانی جدید به اشعار شاعران این نوع با تغییر در نوع نگرش شاعران این دوران، *استخدام واژگان خاص و کاربرد طبیعی آنها و گاه شکستن قراردادهای دستوری از عوامل مهم در گسترش زبان و تکامل زبانها است.* استفاده از واژگان و اصطلاحات عامیان و واژه‌های پیگانه و بسیاری از ویژگی‌هایی که قبلاً ذکر شد.

فهرست منابع

- ادبیات انقلاب اسلامی، دکتر محمد رضا ترکی، تهران ۱۳۹۵.
- از زبان شناسی به ادبیات، صفوی، کورش، تهران ۱۳۴۶.
- انقلاب اسلامی در شعر شاعران آستان قدس رضوی، ج اول، ۳۶۵.
- بررسی شعر و نثر فارسی معاصر، کیانوش، محمود ج ۴، تهران رز، ۱۳۵۵.
- پیشاهنگان شعر فارسی، ج سوم، دبیر سیاقی محمد، آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
- تاریخ تحلیلی شعر نو، شمسی لنگرودی، محمد، ج اول، مرکز تهران، ۱۳۷۷.
- تحول شعر فارسی، موتمن، زین العابدین، ج اول، کتاب فروشی حافظ، تهران، ۱۳۳۹.
- جریانهای شعری معاصر فارسی، علی حسین پور جامی، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۹۰ ج ۴.
- در باره شعر و شاعری، یوشیج، نیما (به کوشش) بروس طاهباز ج اول، دفترهای زمانه، تهران ۱۳۶۸.
- دیوان اشعار، گزیده اشعار، فرغانی، سیف، به کوشش ابو القاسم رادفر، ج اول، امیر کبیر تهران ۱۳۶۵.
- ساختار زبان شعر امروز، علی پور، مصطفی ج اول، فردوس، تهران، ۱۳۷۸.
- شعر امروز تنکابن، قنبری، ایرج، ج اول، حوزه هنری، تهران، ۱۳۷۶.
- شعر امروز، ساعد باقری، محمد رضا محمدی نیکو، انتشارات بین المللی الهدی، تهران ۱۳۷۰.
- طنین بیداری، صفار زاده، طاهره (گزیده اشعار) چاپ سوم، تهران، توسعه کتاب ایران (تکا) ۱۳۸۸.

References

- Islamic Revolution Literature, Dr. Mohammad Reza Turki, Tehran 2015
- From Linguistics to Literature, Safavi, Koresh, Tehran 1346
- Islamic revolution in the poetry of the poets of Astan Quds Razavi, Vol. 1, 365
- Review of Contemporary Persian Poetry and Prose, Kianoush, Mahmoud, Volume 4, Tehran Rose, 1355
- Scouts of Persian poetry, third volume, Siyaghi Mohammad, Islamic Revolution Education, Tehran, 1370
- Analytical History of New Poetry, Shamsi Langroudi, Mohammad, Volume 1, Tehran Center, 1377
- The evolution of Persian poetry, Motman, Zain al-Abidin, vol. 1, Hafez bookstore, Tehran, 1339
- Contemporary Persian poetic currents, Ali Hosseinpour Jami, Amir Kabir Publishing House, Tehran 2010 4

- About poetry and poetry, Yoshij, Nima (by effort) Bruce Tahbaz, Volume 1, Journals of Zamane, Tehran 1368.
- Divan of Poems, Anthology of Poems, Farghani, Saif, by the effort of Abu al-Qasim Radfar, Vol. 1, Amir Kabir, Tehran, 1365
- The Language Structure of Today's Poetry, Alipour, Mostafa J. I., Ferdous, Tehran, 1378
 - Today's Poem by Tankabon, Ghanbari, Iraj, Vol. 1, Art Department, Tehran, 1376
 - Today's Poetry, Saed Bagheri, Mohammad Reza Mohammadi Niko, Al-Hadi International Publications, Tehran 1370
- Tanin Bidari, Safarzadeh, Tahera (selection of poems) third book, Tehran, Iran Book Development (Teka) 1388